با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

صداوسیما روی موضوعات روز شفاف‌سازی کند

صداوسیما به‌عنوان رسانه ملی در موضوعات روز شفاف‌سازی کرده و نسبت به آنها بی‌تفاوت یا کم کار نباشد. برای خنثی کردن توطئه‌های دشمنان و حفظ آرامش در کشور بهترین کار این است که رسانه ملی شفاف‌تر و دقیق‌تر عمل کند و اجازه ندهد موج‌سواری برخی افراد به‌خصوص در فضای مجازی و رسانه‌های معاند نظم کشور را برهم بزنند.

سیدپور از همدان

هزینه خدمات صوتی در قبض تلفن به چه معناست

به‌تازگی در قبوض تلفن ثابت هزینه خدمات صوتی به عناوینی که بابت آنها وجهی اخذ می‌شود، اضافه شده است. سؤال جدی این است که مگر در مخابرات اصلی‌ترین وظیفه ارائه خدمات صوتی نیست و از بدو ایجاد مخابرات چنین خدمتی ارائه نمی‌شده است؟ با اضافه کردن این مورد قبض تلفنی که قبلا ۱۵هزار تومان هزینه ماهانه داشت به رقم ۳۰هزار و خرده‌ای رسیده است که اصلا منصفانه نیست از طرفی اگر از تلفن هم استفاده نمی‌کنیم ممکن است بعد از مدتی اقدام به تخلیه خط و مصادره آن کنند. مخابرات شفاف‌سازی کند و پاسخ افرادی مثل من را که کم هم نیستند بدهد.

گلزار از تهران

پخش فیلم و سریال‌های خارجی را متوقف کنند

یکی از دلایل تهاجم فرهنگی و تغییر بافت فرهنگی بی‌شک فیلم‌ها و سریال‌های روز دنیاست. امروزه در تمام دنیا سریال‌ها بدون حجاب زن و مرد ساخته می‌شوند و حتی سریال‌های کره‌ای که به‌نظر می‌رسد سلامت بیشتری دارند ترویج نوعی بی‌حجابی و پوشش نداشتن است. پخش سریال‌های خارجی در صداوسیمای ملی متوقف شود و در پلتفرم‌های مجازی نیز عرضه آنها ممنوع شود. قطعا رعایت قانون خدا بسیار واجب‌تر از سرگرم کردن مردم با فیلم و سریال است.

مقدم‌زاده از تبریز

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

مهاجران در حال تغییر بافت قیامدشت هستند

خوب است مسئولان به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که شهرک‌هایی در اختیار مهاجران قرار گیرد یا اینکه اجازه اقامت آنها فقط در برخی نقاط داده شود، نه اینکه جمعیت مهاجران آنقدر زیاد شود که بافت جمعیتی منطقه دستخوش تغییر شود. هم‌اکنون خیل عظیم و برنامه‌ریزی نشده‌ای از مهاجران در شهرک قیامدشت تهران مستقر شده‌اند و شلوغی و کمبود امکانات و... امان ساکنان بومی را بریده است. بدیهی است که به‌عنوان میزبان مهاجران تمایل نداریم آنها اذیت شوند زیرا رسم مهمان‌نوازی چنین نیست ولی این هم درست نیست که آرامش یک شهر برهم بریزد چون مسئولان هیچ پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای موضوع مطرح شده ندارند.

هژبری از قیامدشت تهران

گرامیداشت هفته دفاع‌مقدس پربارتر برگزار شود

هیچ برنامه‌ای نباید باعث کمرنگ شدن گرامیداشت یاد و خاطره رشادت‌های فرزندان این سرزمین شود. دفاع‌مقدس شناسنامه شجاعت و رشادت‌های ایرانیان است که باید همواره آن را جلوی چشم دشمنان بگیریم تا جرأت تاخت و تاز به این سرزمین به سرشان نزند.

سمایی از یزد

بانک‌ها برای پرداخت وام فرزندآوری طفره می‌روند

درحالی‌که تبلیغات رسانه‌ای گسترده‌ای برای دریافت وام فرزندآوری می‌شود بانک‌ها از پرداخت این وام به هر نحوی طفره می‌روند مگر آنکه آشنا یا پارتی در کار باشند. بنده برای دریافت این وام به یکی از شعب بانک ملت مراجعه کردم و هزار بهانه شنیدم ضمن اینکه اصلا با عنوان این وام هم مشکل دارند و برخورد خوبی با ارباب‌رجوع ندارند و حتی متقاضی را به‌دلیل فرزندآوری با کلام و رفتار سرزنش می‌کنند.

احمدی از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

بانک‌ها بدون اطلاع قبلی نباید حسابی را مسدود کنند

مسدود کردن حساب‌های بانکی یک فرد بدون اطلاع از علت آن گاهی اوقات فاجعه به‌بار می‌آورد. چندی قبل ضامن یک نفر برای دریافت وام شدم که گویا به‌دلیل ورشکستگی قادر به پرداخت اقساط نبوده در نتیجه باید ارقام قسط ایشان از حساب من کسر می‌شد که این کار هم شده است. ولی سؤال اینجاست که آیا بانک نباید حداقل با یک پیامک اطلاع‌رسانی کند که ما بدانیم فردی که ضامنش شده‌ایم اقساط خود را نپرداخته است؟ جدای اینها بعد از اینکه اقساط فرد وام گیرنده از ما کسر شد دیگر چرا حساب‌مان را مسدود می‌کنند؟ همین‌ها باعث می‌شود در جامعه کسی جرأت نکند ضامن کسی شود و وام گیرندگان دچار مشقت بسیار بشوند.

سیگارودی از لاهیجان

وسایل بازی پارک‌ها اغلب فرسوده شده‌اند

وسایل بازی پارک‌ها در گوشه و کنار ایران بعد از ۲ سال و چند ماه بی‌استفاده بودن فرسوده و نیازمند تعویض یا تعمیر هستند. از آنجایی که استفاده‌کنندگان این وسایل اغلب کودکان هستند جا دارد سریع‌تر نسبت به بهسازی این وسایل در شهر و روستا اقدام شود تا خدای نکرده کودکی به‌دلیل خرابی این وسایل آسیب نبیند.

سپهر از تهران

فضای مجازی را مدیریت کنند، خیلی از امور بسامان می‌شوند

اطلاعات غلط، اخبار نادرست، هیجانات کاذب، مسائل نادرست پزشکی، ترویج فساد و مدگرایی و.... همه و همه نشان از ضرورت توجه بیشتر به این فضا و مدیریت صحیح آن است. اگر جلوی این روند گرفته نشود بی‌شک جامعه دچار هرج و مرج و آسیب خواهد شد و دود آن به چشم همه ایرانیان خواهد رفت.

سلیمی از تهران

سارق سابقه‌دار وقتی فهمید همدستش به او خیانت کرده نقشه جنایت کشید

جنایت پس از آزادی

دادسرا

اختلاف ۲ سارق با یکدیگر از شبی شروع شد که پلیس یکی از آنها را دستگیر کرد و دیگری فراری شد. دزد دستگیر شده پس از آزادی وقتی متوجه شد که همدست فراری‌اش نه‌تنها سهم او را بالا کشیده بلکه به خانه برادرش هم دستبرد زده نقشه انتقام‌جویی کشید.

به گزارش همشهری، شامگاه ۲۳فروردین امسال مرد پرایدسواری مقابل یکی از بیمارستان‌های پایتخت توقف کرد و فردی را که نیمه‌جان بود از ماشین بیرون کشید و مقابل در اورژانس رهایش کرد. او سپس پشت فرمان نشست و فرار کرد.

افرادی که شاهد این صحنه بودند ماجرا را به کارکنان بیمارستان اطلاع دادند و مرد نیمه‌جان که دچار سوختگی شده بود برای درمان به بیمارستان انتقال یافت. او اما به‌دلیل شدت سوختگی و صدمات وارد شده جانش را از دست داد و در این شرایط بود که گزارش این حادثه مرموز به قاضی محمد وهابی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد.

به دستور بازپرس جنایی تهران، جسد فرد جان‌باخته به پزشکی قانونی انتقال یافت و بررسی‌ها برای به‌دست‌آمدن هویت وی و شناسایی مرد پراید سواری که پیکر او را مقابل بیمارستان رها کرده بود آغاز شد. از آنجا که مدارک هویتی همراه مرد جان‌باخته نبود، مأموران از جسد انگشت‌نگاری کردند و مشخص شد که وی وحید نام داشته و از مجرمان سابقه‌داری بود که پیش از این بارها به زندان افتاده بود.

از سوی دیگر در ادامه بررسی‌ها معلوم شد که خودروی پرایدی که پیکر نیمه‌جان وحید داخل آن بود نیز متعلق به مقتول بوده است. اما هنوز مشخص نبود که راننده خودرو چه‌کسی بود و او تنها فردی بود که اسرار مرگ آتشین وحید را می‌دانست.

دزد سابقه‌دار

در ادامه تحقیقات، ابعاد تازه‌تری از این ماجرا فاش شد؛ آنطور که تیم جنایی متوجه شد وحید اخیرا با همدستی دوستش مهران دست به سرقت‌های سریالی می‌زد. اما آنها از مدت‌ها قبل با یکدیگر دچار اختلافاتی شده بودند و ظاهرا دعوا و اختلافات آنها بر سر تقسیم اموال مسروقه بود.

در این شرایط نام مهران که سارقی سابقه‌دار بود در لیست افراد تحت تعقیب قرار گرفت اما او پس از مرگ وحید محل زندگی‌اش را ترک کرده و سرنخی از وی وجود نداشت.

او سعی داشت ردی از خودش به جا نگذارد اما ۲روز قبل گزارشی به‌دست پلیس رسید که نشان می‌داد متهم فراری در اطراف خانه برادرش دیده شده است. وی به گمان اینکه آب‌ها از آسیاب افتاده به پایتخت برگشته بود و همین باعث شد که مأموران با شناسایی مخفیگاهش او را دستگیر کنند.

متهم که ۳۲ساله است روز گذشته برای تحقیق به دادسرای جنایی تهران منتقل شد و درحالی‌که همه شواهد و دلایل حکایت از قاتل‌بودن او داشت اما به طرز عجیبی قتل را انکار کرد. او مدعی است که از وحید(مقتول) کینه به دل داشته و نقشه انتقام‌جویی کشیده بود اما نقشی در قتل او ندارد. مهران به اتهام قتل عمدی بازداشت شده و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

گفت‌وگو

روایت عجیب متهم

متهم به قتل مردی لاغراندام، با بدنی نحیف است که گاهی چرت می‌زند و چهره‌اش نشان می‌دهد که اعتیاد شدیدی به موادمخدر دارد. گاهی چشمانش را می‌بندد و بعد باز می‌کند و آهسته به سؤالات خبرنگاران جنایی پاسخ می‌دهد. می‌گوید از وقتی معتاد به موادمخدر شده، روی خوش در زندگی‌اش ندیده است. از همان روزها بوده که پا در دنیای سارقان گذاشته و حالا به اتهام قتل عمدی دستگیر شده است. مهران مدعی است که همدستش در حق او خیانت کرده و راهی جز انتقام برای او نگذاشته بود.

با وحید(مقتول) چطور آشنا شدی؟

پارسال در پاتوق معتادان با هم دوست شدیم. او هم مثل من اعتیاد به موادمخدر داشت و سرقت می‌کرد. مثل من دله دزدی می‌کرد تا خرج موادش را تامین کند. از سرقت صندوق صدقات گرفته تا دزدی از انباری خانه‌ها و سرقت لوازم داخل خودرو. پس از آنکه دوستی ما جدی‌تر و صمیمی‌تر شد تصمیم گرفتیم با هم دست به سرقت بزنیم.

با چه شگردی سرقت می‌کردید؟

من و وحید به‌صورت سریالی از انباری خانه‌ها سرقت می‌کردیم. از صبح تا شب در خیابان‌های پایتخت پرسه می‌زدیم و به محض اینکه می‌دیدیم در ساختمان‌ها باز است وارد خانه‌ها می‌شدیم و پس از شکستن قفل در انباری‌ها، وسایل با ارزش و مواد خوراکی را سرقت می‌کردیم. درواقع هرچه دستمان می‌رسید برمی‌داشتیم تا در قبال آن مواد بگیریم.

برگردیم به روزی که با یکدیگر دچار اختلاف شدید؟ چه شد که بین شما درگیری پیش آمد؟

او در حق من نامردی کرد و باعث شد تا آتش کینه در دلم روشن شود. ما از روزی که سرقت‌هایمان را شروع کردیم هرچه می‌دزدیدیم با هم تقسیم می‌کردیم به‌صورت عادلانه. گاهی هم وسایل سرقتی را به خانه برادرم می‌بردم و در آنجا نگه می‌داشتیم تا روز مبادا آن را بفروشیم. برادرم تهران نیست و خانه‌اش را در اختیار من قرار داده است که گاهی هم وحید پیش من می‌آمد. همه‌چیز به شبی برمی‌گردد که پلیس دستگیرم کرد و من حدود یک ماه در زندان بودم. آن شب به همراه وحید برای سرقت وارد ساختمانی شدیم که پس از خروج پلیس به ما مشکوک شد. من هم وسایل سرقتی را به وحید دادم و از او خواستم فرار کند. درواقع فداکاری کردم و همین موجب شد تا پلیس دستگیرم کند. حدود یک ماه در زندان بودم و بعد با کفالت از زندان بیرون آمدم. وقتی آزاد شدم متوجه خیانت وحید شدم. او نه تنها اموال سرقتی را با خودش برده بود بلکه از داخل کیفم که همراهش بود، کلید خانه برادرم را برداشته و تمام وسایل خانه او را هم سرقت کرده بود. وقتی از زندان آزاد شدم متوجه سرقت شدم و به سراغش رفتم اما زد زیرش. با وجود این من مطمئن بودم کسی جز وحید سارق نیست و زمانی مطمئن شدم که دوربین مداربسته خانه برادرم را بررسی کردم و متوجه شدم روز حادثه وحید وارد خانه برادرم شده و دست به سرقت زده است. به این ترتیب به سراغش رفتم تا از او انتقام بگیرم اما وحید خودش را آتش زد!

خودش را آتش زد؟!

من می‌خواستم او را تنبیه کنم اما او ناگهان به روی خودش بنزین ریخت و خودش را به آتش کشید.

تعریف کن چه اتفاقی افتاد؟

روز حادثه به بهانه مصرف مواد او را به پاتوقمان کشاندم. از قبل ۱۰قرص خواب‌آور پودر کرده بودم و داخل چای او ریختم که پس از نوشیدن آن بیهوش شود. قصدم این بود که کتکش بزنم و بعد او را تحویل پلیس بدهم چون از او مدرک داشتم. اما او به‌دلیل اینکه معتاد بود بیهوش نشد و قرص‌ها روی او تأثیری نگذاشت. فقط کمی گیج شده بود که او را به بیابان‌های حوالی جنوب شرق تهران بردم و با چوب کتکش زدم و خواستم به سرقت اعتراف کند اما باز منکر شد. به او گفتم اگر وسایل را پس ندهد ماشینش را گرو برمی‌دارم اما او وقتی فهمید که قصد بردن ماشینش را دارم عصبانی شد و از داخل ماشینش یک ظرف بنزین برداشت و روی خودش ریخت. ناگهان فندک را روشن کرد و گر گرفت. ترسیدم و آتش را خاموش کردم و فورا او را به بیمارستان رساندم.

چرا فرار کردی؟

خب ترسیدم به اتهام قتل مرا دستگیر کنند. به همین دلیل فرار کردم و از تهران رفتم. در این مدت هم در شهرهای مختلف بودم و بعد به گمان اینکه آب‌ها از آسیاب افتاده و پلیس دیگر تعقیبم نمی‌کند به تهران برگشتم اما دستگیر شدم.

مدیرکل پزشکی قانونی تهران جزئیات تازه‌تری از نتایج آزمایشات درباره دلیل مرگ دختر جوان را بازگو کرد

ناگفته‌های پزشکی قانونی از مرگ مهسا امینی

پیگیری

۳هفته پس از جانباختن مهسا امینی، مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران در گفت‌وگویی جزئیات بیشتری از آزمایشات انجام شده در این پرونده را توضیح و به حواشی و ابهامات این پرونده پاسخ داد.

به گزارش همشهری، مهدی فروزش در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری سیما ضمن تسلیت به خانواده مهسا امینی گفت: پس از این اتفاق ما از ۱۹نفر از متخصصان رشته‌های مختلف پزشکی اعم از رشته داخلی مغز و اعصاب، جراحی مغز و اعصاب، بیهوشی، طب اورژانس، قلب و عروق، روانشناس بالینی، آسیب شناسی، پزشکی اجتماعی، چشم پزشکی، نورورادیولوژی، پزشکی قانونی و فوق تخصص غدد دعوت کردیم تا در جمع بندی و اظهارنظر درخصوص علت فوت مرحومه مهسا امینی شرکت کنند. در این پرونده ۵ نفر متخصص پزشک قانونی که شاغل در سازمان پزشک قانونی و مابقی از متخصص‌های رشته‌های پزشکی بالینی در رشته‌های دیگر بودند.

حضور پدر مهسا در سالن تشریح

مدیرکل پزشکی قانونی تهران در ادامه درباره حضور پدر مهسا در سالن تشریح گفت: یک جلسه در ابتدای امر برای بررسی جسد، معاینه ظاهری و کالبدگشایی که در سالن تشریح اداره کل پزشکی قانونی استان تهران انجام شد در خدمت پدر مرحومه مهسا امینی بودیم و در آنجا در ارتباط با سیر درمان و اینکه مهسا بیماری داشته یا نه، چه اقدامات درمانی برایش انجام شده مصاحبه مفصلی داشتیم و جلسه دوم حضور ایشان در هنگام برگزاری کمیسیون در سازمان پزشکی قانونی کشور بود که ایشان با وکلای خود در جلسه حضور پیدا کردند و نسبت به سؤالاتی که متخصصان رشته‌های مختلف در ارتباط با سیر درمان و بیماری، نوع بیماری و همچنین داروهای مورد استفاده متوفی داشتند پاسخگو بودند.

فروزش سپس به جراحی مهسا در ۸سالگی اشاره کرد و گفت: در روزهای اول بعد از حادثه در فضای مجازی اشاره شد که ایشان فاقد هرگونه بیماری زمینه‌ای بودند و هیچ‌گونه دارویی را مصرف نمی‌کردند و در سلامت کامل بودند؛ اما با استعلام از وزارت بهداشت، سازمان تامین اجتماعی و بیمه سلامت مدارکی را جمع‌آوری کردیم. مرحومه امینی متولد سال ۱۳۷۸ در سن ۸سالگی در سال ۱۳۸۶ به استناد پرونده بیمارستان فوق تخصص

میلاد به‌دلیل بروز علائم سردرد، اختلال رشد و مشکلات بینایی، با تشخیص تومور خوش‌خیم مغزی به نام کرانیوفارنژیوما تحت عمل جراحی تخلیه تومور قرار گرفت. پذیرش متوفی در بخش اطفال بیمارستان میلاد در تاریخ ۸۶/۸/۱۲ صورت گرفته است و در تاریخ ۸۶/۸/۲۱ ترخیص شده‌اند و پدر بیمار، همراه و معرف ایشان بوده است.

مدیرکل پزشکی قانونی تهران در ادامه درباره نتایج آزمایشات پیکر مهسا امینی پس از فوت در پزشکی قانونی گفت: در قسمت سمت راست پیشانی متوفیه در ناحیه گیجگاهی پیشانی، یک اسکار یا جوشگاه هلالی شکل به طول حدود ۱۰سانتی‌متر وجود داشت که در معاینه ظاهری جسد کاملا مشخص شد و روش مورد عمل جراحی شده هم کاملا منطبق با آن چیزی بود که در معاینه ظاهری و کالبد گشایی جسد به آن رسیدیم. در کالبد گشایی که انجام شد آثار برداشتن استخوان جمجمه در همان قسمت و در ناحیه زیر جوشگاه مشهود بود؛ بعد از اینکه مغز و مخچه خارج شد در ناحیه زیر بافت مغزی منطبق با ناحیه زین ترکی، آثار عمل جراحی کاملا مشهود و مشخص بود.

عوارض جراحی بر مهسا

او در ادامه گفت: از آنجا که این دسته از بیماران متعاقب عمل جراحی دچار نقص در عملکرد محور هیپوتالاموس، هیپوفیز و غدد تحت فرمان آن ازجمله تیروئید و آدرنال می‌شوند و به‌دلیل فقدان هورمون‌های غده هیپوفیزم مبتلا به بیماری دیابت بی‌مزه مرکزی شده، کم کاری تیروئید و کم کاری غده فوق کلیوی داشته که این بیماران لازم است تحت درمان مستمر با داروهای مورد نیاز و جایگزین هورمون‌هایی که باید تحت فرمان غده هیپوفیزم در بدن تولید شوند قرار گیرند. داروهای مورد استفاده در این بیمار شامل داروهای دسموپرسین، لووتیروکسین و هیدروکورتیزون بوده است و همچنین طبق سوابق مراجعات سرپایی که ایشان داشته، متوفیه تحت درمان با داروهای حاوی استروژن و پروژسترون هم بوده است.

آثار ضرب و جرح وجود نداشت

فروزش درباره اینکه آیا مستنداتی مبنی بر وجود ضربه منجر به فوت برای ایشان وجود داشته است یا خیر، گفت: در ملاحضه فیلم‌های ضبط شده دوربین‌های مدار بسته و تحقیقات قضایی که از جانب مقام قضایی انجام شده است، هیچ‌گونه برخورد فیزیکی در ارتباط با این موضوع وجود نداشت. در معاینه ظاهری جسد مهسا امینی نیز هیچ‌گونه آثار و شواهدی از ضرب و جرح در ناحیه سر و صورت وجود نداشت و آثاری که مؤید شکستگی استخوان جمجمه در کف جمجمه بوده باشد ازجمله سیاه‌شدگی دور چشم، وجود نداشت و به خونریزی از ناحیه گوش که دلالت بر شکستگی کف استخوان جمجمه باشد در کالبد گشایی نرسیدیم و در بررسی‌هایی که روی خود پارانشیم و نسج مغز انجام شد هیچ‌گونه از هم گسیختگی و یا خونریزی داخل پارانشیم مغز وجود نداشت و ما صرفا به یک توده ۲ در ۳سانتی‌متری که ناشی از عمل قبلی ایشان بود رسیدیم. در بررسی‌هایی که ما در پزشکی قانونی انجام دادیم و کالبد گشایی که در ناحیه قفسه سینه و شکم انجام شد، هیچ‌گونه یافته‌ای دال بر اینکه آسیب به اعضای داخلی بدن ازجمله ریه‌ها، قلب، کبد، روده‌ها، کلیه‌ها، پاناراکس و طحال رسیده باشد وجود نداشت.

مدیرکل پزشکی قانونی تهران سپس درباره علت مرگ مهسا گفت: براساس تحقیقات انجام شده اختلال ناگهانی هوشیاری و آریتمی و افت فشار خون و ایست قلبی متعاقب آن به‌دلیل اختلال در عملکرد محور هیپوتالاموس، هیپوفیزم و نارسایی ثانویه در عملکرد غدد فوق کلیه و در نتیجه عدم‌توان انطباق پذیری مناسب فرد در کنترل هیجانات و عوارض قلبی و عروقی ناشی از آن علت فوت خانم امینی بوده و با توجه به مشاهده فیلم دوربین‌های مداربسته اقدامات غیرمؤثر در احیای قلبی و تنفسی در دقایق اولیه بعد از حادثه در وقوع مرگ نقش داشته و با استناد به مدارک پزشکی بیمارستان خصوصی کسری و بررسی سی تی اسکن مغز و ریه و نتایج معاینه ظاهری و کالبدگشایی جسد، فوت متوفیه به‌دنبال اصابت ضربه به سر، اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است.

کری‌خوانی اینستاگرامی به جنایت ختم شد

کری‌خوانی چند پسرجوان در اینستاگرام به تیراندازی و قتل یکی از آنها و زخمی شدن ۲ نفر دیگر منجر شد.

به گزارش همشهری، بامداد جمعه گزارش یک تیراندازی مرگبار به قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. بررسی ها نشان می داد که پسری ۲۷ ساله با اصابت گلوله اسلحه وینچستر به قتل رسیده و ۲ نفر از دوستان وی نیز زخمی شده‌اند. تیم جنایی برای کشف حقایق سراغ ۲ پسری که در جریان این تیراندازی زخمی شده بودند، رفتند. یکی از آنها گفت: کسی که به من و مقتول و دوست دیگرمان تیراندازی کرد سامان نام دارد. تا پیش از این سامان هم دوست ما بود تا اینکه مدتی قبل بر سر مسائل مختلف با او دچار اختلاف شدیم. او خودش را گنده‌لات می دانست و اصرار داشت که باید هرچه او می گوید را گوش بدهیم. حرفش این بود که هیچ کس در مقابل او اعتراضی نکند و درواقع توقع داشت که گوش به فرمان او باشیم. همین مسائل موجب کری‌خوانی‌های ما در اینستاگرام و فضای مجازی شد. کم‌کم کار به خط و نشان و تهدید کشیده شد تا اینکه شب حادثه من به همراه مقتول ودوست دیگرم برای تفریح به پاتوقمان که فضای سبزی بین بزرگراه لشکری و جاده قدیم کرج است، رفتیم. سامان خبر داشت که ما شب‌های جمعه در آنجا دور هم جمع می شویم. آن شب در پاتوقمان در حال صحبت بودیم که ناگهان سامان سوار بر وانتی به آنجا آمد. وقتی ما را دید شروع به فحاشی کرد و بعد هم گفت همانجا بمانیم تا برای دعوا برگردد.

جوان مجروح گفت: دقایقی بعد او به آنجا برگشت و با اسلحه وینچستر به سمت ما تیراندازی کرد. هر سه در جریان این تیراندازی زخمی شدیم و او هم پس از تیراندازی با همان خودروی وانت فرار کرد. سپس شاهدان به اورژانس و پلیس زنگ زدند که برای درمان ما را به بیمارستان انتقال دادند. دوستم در این حادثه فوت شد و دوست دیگرم مانند من زخمی شده است. درخواستمان این است هرچه زودتر سامان دستگیر و مجازات شود.

پس از انجام تحقیقات اولیه از مجروحان، جسد مقتول نیز به پزشکی قانونی انتقال یافت و با دستور بازپرس جنایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را برای بازداشت عامل این تیراندازی مرگبار آغاز کردند تا ابعاد بیشتری از این حادثه رازگشایی شود.

یادداشت
سردار حسین رحیمی؛ رئیس پلیس پایتخت

دستگیری سارقان بانک ملی نتیجه هوشمندسازی پلیس

هوشمندسازی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پلیس برای تسهیل در انجام ماموریت‌ها، سرعت در رسیدگی به پرونده‌های ورودی و به سرانجام رساندن آنها در کمترین زمان است. با تکیه بر همین هوشمندسازی بود که پلیس پایتخت موفق شد سارقان صندوق امانات بانک ملی را تنها ظرف ۴۸ساعت شناسایی و آنها را دستگیر کند. پلیس همواره با رویکرد پیشگیری و اقدامات پیشدستانه، به‌دنبال برنامه تحولی در استفاده روزافزون از تکنولوژی‌های روز در راستای هوشمندسازی است؛ چراکه بهره‌گیری از ابزارهای نوین در هر سطحی می‌تواند «امنیت پایدار» را به ارمغان آورد، امنیتی که در هرلحظه از شبانه‌روز و با استفاده از تجهیزات مدرن اطلاعاتی و مدیریتی قابل کنترل و ردگیری است و می‌تواند آرامش روانی را برای جامعه و شهروندان به همراه داشته باشد. پس «امنیت پایدار» را می‌توان نتیجه هوشمندسازی و حرکت اجتناب‌ناپذیر پلیس به این سمت دانست که البته در این مسیر نیازمند تهیه زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی و البته بخش‌های تحقیقات و توسعه (R&D) سازمانی هستیم؛ هوشمندسازی پلیس می‌تواند خلأهای ناشی از نیروی انسانی را پوشش داده و «تحول سیستمی» که پیش‌زمینه آرمان «امنیت پایدار» است را جامه عمل بپوشاند.

پلیس در راستای اجرای قانون و برقراری نظم و امنیت عمومی نیازمند اقتدار است، هوشمندسازی پلیس و حرکت کردن در لبه علم و فناوری نیز می‌تواند ترجمان وجه دیگری از اقتدار باشد، اینکه پلیس در استفاده از علوم روز و تجهیزات مدرن، پیشگام باشد «اقتدار فناورانه» و «تفکر هوشمندانه» است که می‌تواند سدی در برابر نیت‌های شوم مجرمان و تبهکاران باشد.

به روز بودن و هوشمندسازی یکی از مهم‌ترین ارکان محوری «پلیس نوین» آن هم در جامعه رو به پیشرفت امروزی است که با فراگیری و افزایش دانش نیروی انسانی داخل سازمانی و هم‌افزایی برون‌سازمانی با نخبگان دانشگاهی و دیگر نهادهای علمی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، نقطه‌ای قابل دسترس خواهد بود. تقویت سیستم‌های هوشمند، افزایش تجهیزات مدرن که موجب کاهش برخورد مستقیم مردم با پلیس می‌شود، توسعه سیستم‌های الکترونیکی و اپتیکی و مهیا کردن زیرساخت‌هایی که امکان اقدامات پیشگیرانه و پیشدستانه را به پلیس می‌دهند، همه و همه به پیشگیری از جرم و شناسایی دقیق نقاط ضعف و قابل نفوذ توسط مجرمان کمک کرده و در نهایت پلیسی که نماد «اقدام عقلانی» است را می‌سازد چراکه مدیریت، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نسبت به هر موقعیت، نیازمند اشراف، تجربه و داشتن سازوکارهای هوشمند و البته هوش هیجانی بالای نیروی انسانی است که این برکات جز با هوشمندسازی پلیس، آموزش‌های لازم و فراهم بودن زیرساخت‌ها، شدنی نیست؛ پلیس هوشمند کسی است که با توجه به موقعیت مکانی و زمانی که در آن واقع است و با استفاده از تجهیزات به روز خود، اثربخش‌ترین رفتار را انتخاب کند. امروز بیش از هر روز دیگری نیازمند اقدامات عقلانی در حوزه‌های اجتماعی و حتی انتظامی هستیم تا مأمور پلیس هنگام برخورد با شرایطی متفاوت، دچار سردرگمی و تشویش نشود و با یک اقدام اشتباه خود، مجموعه سازمان را زیر سؤال نبرد.

خبر

مرگ ۲کارگر در معدن متروکه

ریزش یک معدن غیرمجاز و متروکه در شهرستان بختگان جان ۲کارگر را گرفت و کارگری دیگر را راهی بیمارستان کرد.

به گزارش همشهری، این حادثه شامگاه جمعه رخ داد و وقتی ماجرا به هلال احمر و اورژانس گزارش شد، تیم‌های امدادی راهی محل حادثه شدند. به‌گفته خلیل عبدالهی، مدیرکل مدیریت بحران استان فارس، معدن مورد نظر یک معدن غیرمجاز و متروکه سنگ کرمیت در روستای دهمورد شهرستان بختگان بود که گزارش ریزش آن حدود ساعت ۲۱شامگاه جمعه به تیم‌های امدادی مخابره شد. وی ادامه داد: گروه‌های امدادی مجهز به سگ زنده یاب به محل حادثه اعزام شدند و معلوم شد که در این حادثه ۲کارگر جان باخته‌اند و یک نفر زخمی شده که به بیمارستان منتقل شد. همچنین با توجه به نامشخص بودن شمار کارگران معدن، آواربرداری با هدف یافتن مفقودان احتمالی ادامه یافت و در نهایت معلوم شد که فرد دیگری در این حادثه مصدوم یا کشته نشده است. در همین حال یکی از اهالی محل حادثه درباره جزئیات این اتفاق به ایلنا گفت: این حادثه جمعه شب رخ داد و ۳کارگر بومی که در این معدن قدیمی متروکه در حال استخراج سنگ کروم بودند، زیر آوار گرفتار شدند.

او ادامه داد: مردم محلی بعد از اطلاع از این حادثه به معدن رفتند و کارگران گرفتار را بیرون کشیدند که در این بین یک نفر علائم حیاتی نداشت، یک نفر از ناحیه کمر و سر آسیب دیده و یک نفر نیز ضربه مغزی شده بود.

به‌گفته وی؛ مردم محلی کارگری که ضربه مغزی شده بود را به پایین کوه انتقال دادند و همزمان حدود ساعت ۲۱ پایگاه اورژانس دهمورد را مطلع کردند. با هماهنگی مرکز اورژانس ۱۱۵ شهرستان نی‌ریز و ضمن فراخواندن هلال احمر، آمبولانس اورژانس این مرد ۵۰ساله را که دچار ضربه مغزی شده بود تحویل گرفت و به بیمارستان منتقل کرد اما وی در بین راه دچار ایست قلبی شد و در نهایت جان باخت. همچنین عملیات احیاء روی جوان ۲۲ساله‌ای که علائم حیاتی نداشت انجام شد اما فایده نداشت و سومین نفر که کارگری ۲۰ساله است، از ناحیه کمر و سر آسیب دیده بود که به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان است.